



فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۱۵، دوره ۲۹، تابستان ۱۴۰۴، ۶۶-۳۵

عدم تأیید چک صیادی توسط دارنده در سامانه و چالش صادرکننده در دریافت دسته چک جدید: نقد راه کارهای حقوقی

محمدجواد حاجبانی**  محسن صادقی* 

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

دسته چک جدید/ چک صیادی/ سامانه‌ی صیاد/ تأیید دارنده/ راه کارهای جایگزین

چکیده

از زمان پیدایش چک صیادی، شاهد بروز سؤالات حقوقی و اقامه دعاوی جدید از جمله دعاوی دارنده، دال بر الزام صادرکننده چک به ثبت آن در سامانه‌ی صیاد، بوده‌ایم. با این حال، روی دیگر این رابطه حقوقی - که تاکنون در ادبیات حقوقی ما مورد توجه و تحلیل قرار نگرفته است - فرضی است که صادرکننده، نیازمند اخذ دسته چک جدید است و برای این منظور باید بخش عمده چک‌های صادره، منتهی به وصول یا دست‌کم تأیید چک توسط دارنده در سامانه صیاد شده باشد. اما در فرضی شاهد آنیم که چند دارنده بعد از اخذ لاشه کاغذی چک، بنا به هر دلیل موجه یا غیرموجه، از تأیید چک در سامانه صیاد امتناع می‌کنند و این امر، صادرکننده را - به خصوص در جایی که به دلیل شغلش نیازمند اخذ دسته چک جدید و صدور چک‌های متعدد است - دچار مشکل می‌کند و این سؤال را مطرح می‌نماید، که آیا دعاوی صادرکننده علیه دارنده دال بر الزام به تأیید چک در سامانه، قابلیت استماع دارد؟ و در صورت قابلیت استماع، آیا می‌توان


*. دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران sadeghilaw@ut.ac.ir

** دانشجوی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. javadhajbani@ut.ac.ir


راه کارهای قانونی جایگزین مطلوب تر و سریع تر به صادرکننده پیشنهاد داد؟ و آیا مقررات فعلی، ظرفیت پذیرش این راه کارهای پیشنهادی را دارند؟ این مقاله با روش کیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و میدانی، درصدد بیان این فرضیه است که، دعوای مورد بحث قابلیت استماع دارد و مقررات جاری کشورمان، ظرفیت پیشنهاد راه کار جایگزین و سریع تر را دارد. مقاله پیش رو در قالب دو بخش (گفتار نخست - بیان چالش ها و گفتار دوم- ارائه راه کارها) درصدد پاسخ به سؤالات و اثبات فرضیه های فوق است.


طبقه بندی JEL: K29, K22, E58



 <https://doi.org/10.22034/ijts.2025.2048863.4084>

Non-Confirmation of Sayyadi Checks by the Holder in the System and the Issuer's Difficulty in Obtaining a New Check Book: A Legal Critique of Proposed Solutions

Mohsen Sadeghi¹, Associate Professor at University of Tehran. sadeghilaw@ut.ac.ir (Corresponding Author). 

Mohammad Javad Hajbani, Student at Faculty of Law and Political Sciences of University of Tehran. javadhajbani@ut.ac.ir. 

Received: 24 Dec. 2024

Revised: 7 Apr. 2025

Accepted: 3 May 2025

**New checkbook / Sayyadi Check/ Check confirmation/ Issuer/ Holder/ Judicial Solution/
Alternative solutions**

The introduction of a centralized check registration and tracking system in Iranian law, following amendments to the Check Act, has given rise to numerous legal questions and novel forms of litigation. One key issue is the obligation of the issuer to register checks in this system to preserve their authenticity as commercial documents, a requirement that is often the basis for lawsuits filed by holders against issuers. Current banking regulations generally require that a substantial portion of the issued checks be either settled or, at the very least, confirmed by holders within the system.

In certain instances, holders, upon receiving the physical check, may decline—whether for justified or unjustified reasons—to confirm it in the system. This scenario gives rise to critical legal questions: Can an issuer pursue legal action against a holder to compel confirmation of a check? If such legal action is permissible, are there alternative remedies that could provide more efficient and practical outcomes than traditional court proceedings? Furthermore, do the existing regulatory frameworks allow for the adoption of such alternative solutions?

Using a qualitative methodology that combines library research with interviews conducted with judges and lawyers, this paper argues that these lawsuits are legally permissible and that current regulations provide scope for proposing alternatives as more efficient solutions. Divided into two sections, the study first identifies the challenges associated with this issue and then offers solutions, aiming to address the outlined questions and support the proposed hypotheses.

1. sadeghilaw@ut.ac.ir

JEL Classification: E58, K22, K29

Data Availability: The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of Interest: The authors of this paper declared no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

۱. مقدمه

چک‌های صیادی یا نیمه الکترونیک، با این فلسفه در حقوق ایران ایجاد شدند که صادرکنندگان، دارندگان و بانک‌ها بتوانند حسب مورد از مزایای آن بهره ببرند. با این حال پیدایش این تأسیس جدید در کنار چالش‌های فنی، سؤالات و ابهامات حقوقی چندی را برای ذی‌نفعان و قضات و وکلای پدید آورده، که اصلاحات قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ نتوانسته به طور صریح به آن‌ها پاسخ دهد. برای نمونه، اینکه آیا دارنده می‌تواند دادخواست الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه صیاد را ثبت و الزام دارنده را از دادگاه بخواهد یا خیر، موضوعی است که صراحتاً در مقررات پیش‌بینی نشده و مدت‌ها میان محاکم در این خصوص اختلاف نظر وجود داشت تا اینکه اخیراً بسیاری از محاکم، این دعوا را قابل استماع دانسته‌اند.

اما در رابطه میان صادرکننده و دارنده چک، فرض معکوسی وجود دارد و آن فرضی است که صادرکننده برغم ثبت چک در سامانه صیاد بانک مرکزی، منتظر تأیید چک از سوی دارنده است، اما دارنده به هر دلیل موجه یا غیرموجه، از تأیید چک در سامانه اجتناب می‌کند. در این حالت، آیا صادرکننده می‌تواند به‌عنوان ذی‌نفع اقدام قضایی کند؟ به فرض مثبت بودن پاسخ، به دلیل طولانی بودن روند رسیدگی قضایی، آیا ظرفیت‌های قانونی موجود، اجازه احقاق حق صادرکننده به نحو غیرقضایی را می‌دهد؟ پاسخ به این سؤالات، موضوع مقاله حاضر است. موضوع این نوشتار و طرح سؤالات فوق ممکن است در ابتدا عجیب به نظر برسد و خواننده از خود بپرسد که وقتی تعهدات قانونی چک، نظیر تعهد به پرداخت وجه چک و تعهد به ثبت چک در سامانه صیادی، تماماً با صادرکننده است، دارنده چه سودی از عدم تأیید می‌برد؟ و صادرکننده چه نفعی در الزام دارنده به تأیید چک در سامانه دارد؟ به دیگر سخن، اگر دارنده، چک را تأیید نکند، اولین متضرر، خود اوست؛ زیرا قادر به وصول وجه از شعبه بانک نیست و از مزایای آن، مانند تحصیل اجرائیه مستقیم دادگاه یا دریافت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک، محروم می‌شود. بنابراین نفع عقلایی صادرکننده می‌طلبد که دارنده فعلاً چک را تأیید نکند و تعهد وی در برابر دارنده، نهایتاً یک تعهد مدنی باقی بماند تا تعهد ناشی از یک سند تجاری. بر این اساس، صادرکننده منطقاً نباید ذی‌نفع دعوی الزام دارنده به تأیید چک در سامانه صیاد تلقی شود، چه رسد به اینکه بخواهد در دادگاه اقامه دعوا کرده و هزینه دادرسی متحمل شود و بعد از صرف زمان زیاد، رأی الزام دارنده به تأیید چک را تحصیل کند؛ رایی که تعهدات خود او را می‌افزاید.

شگفتی فوق برای خواننده کاملاً طبیعی است، به خصوص آنکه فرض طرح دعوای صادرکننده علیه دارنده دال بر الزام به تأیید چک، فرضی نادر و تا حدودی غریب به نظر می‌رسد. با این حال، از آنجا که در برخی فروض، می‌توان نفع عقلایی و کاملاً مشروعی را برای صادرکننده در نظر گرفت و در عمل نیز، پرونده‌هایی در این خصوص مطرح شده و برخی محاکم و بانک‌های ما با آن روبرو شده‌اند، و همچنین رسالت علم حقوق آن است که تکلیف نیازهای حقوقی اشخاص را مرتفع سازد؛ لذا لازم است به موضوع مورد اشاره نیز پرداخته شده و ابعاد مختلف آن تحلیل شود. برای مثال، در یکی از پرونده‌های طرح شده - که در این مقاله به آن می‌پردازیم - صادرکننده توانست اثبات کند که در دعوا ذی نفع است، به این نحو که بانک برای صدور دسته چک جدید به وی اعلام کرده که حداقل ۸۰ درصد چک‌های صادره باید در سامانه صیاد توسط دارندگان تأیید و تعیین تکلیف شوند در حالی که ۱۳ فقره چک در اختیار یک نفر است، که به دلیل تحت فشار قراردادن صادرکننده بابت قراردادی دیگر، حاضر به تأیید چک‌ها در سامانه صیاد نشده و صادرکننده که به دلیل داشتن کارگاه، نیازمند دریافت دسته چک جدید بوده، عملاً از این حق قانونی محروم شده است.

نوآوری مقاله حاضر نسبت به ادبیات موجود از آن رو است، که به رغم توجه به احکام مختلف چک صیادی در منابعی چون کتاب حقوق تجارت تالیف آقای دکتر ربیعا اسکینی و کتاب منظومه چک تالیف آقای دکتر محمد مهدی توکلی، اما تکلیف فرض موضوع این مقاله مشخص نشده و اساساً چنین فرضی مطرح نشده است؛ همچنین در سخنرانی ارائه شده از سوی آقای مجید جعفری افتخار قاضی محترم دادگاه تجدیدنظر استان تهران، به فرض دعوای الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه صیاد پرداخته شده نه فرض معکوس مدنظر این مقاله. این مقاله با روش کیفی و شیوه توصیفی - تحلیلی، ضمن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، و مطالعه میدانی در قالب مصاحبه با چند تن از کارمندان بانک و وکلا و قضات، به دنبال ارائه مطلبی تحلیلی و کاربردی و پاسخ به این سؤالات است، که با فرض قابلیت استماع دعوای صادرکننده علیه دارنده دال بر الزام به تأیید چک در سامانه، آیا مقررات فعلی، ظرفیت پذیرش راه کارهای قانونی جایگزین برای حصول نتیجه مطلوب و سریع‌تر از دادگاه دارد؟ فرضیات مطروحه این پژوهش نشان می‌دهد، که دعوای صادرکننده علیه دارنده به خواسته الزام به تأیید چک در سامانه‌ی صیاد، در حقوق ایران قابل استماع به نظر می‌رسد. همچنین حقوق

ایران علاوه بر راه‌کار قضایی، دارای برخی ظرفیت‌های غیرقضایی جهت تسریع در احقاق حق صادرکننده است.

تحقیق حاضر در دو گفتار ارائه شده است: نخست، چالش عدم امکان اخذ دسته‌چک ناشی از عدم ثبت و تأیید دارنده در سامانه صیاد، با نگاهی به پیشینه قانونی و قضایی موضوع مورد اشاره قرار می‌گیرد. در گفتار دوم، راه‌کارهای قضایی و غیرقضایی محتمل برای رفع نیاز حقوقی صاحب دسته‌چک، بیان و میزان اعمال آنها در حقوق ایران نقد و بررسی شده و در پایان، راه‌کارهای روشن و کاربردی به گروه‌های بهره‌بردار از نتایج این تحقیق، نظیر قانون‌گذار، صاحبان دسته‌چک، بانک‌ها و قضات پیشنهاد شده است.

۲. چالش عدم امکان اخذ دسته‌چک ناشی از عدم تأیید دارنده در سامانه صیاد

بخش نخست مقاله، با تمرکز بر چالش عدم امکان اخذ دسته‌چک ناشی از عدم تأیید دارنده در سامانه صیاد، به بررسی پیشینه و ماهیت حقوقی این مسئله در نظام حقوقی ایران می‌پردازد. در این راستا، ابتدا با تحلیل تاریخی و بررسی جایگاه چک در قوانین پیشین، ماهیت چک تأیید نشده و آثار حقوقی آن مورد مطالعه قرار گرفته، سپس ماهیت عدم تأیید چک، به عنوان یک عمل حقوقی و تأثیر آن بر رابطه‌ی میان صادرکننده و دارنده‌ی چک، واکاوی می‌شود، چرا که آشنایی بیشتر خوانندگان محترم با پیشینه و ماهیت چک تأیید نشده در حقوق ایران، در فهم مطالب بعدی مقاله مؤثر است. در این بخش، همچنین با اشاره به رویه‌ی قضایی و نمونه آرای صادره، به تحلیل تعارضات و راه‌کارهای ارائه شده توسط محاکم پرداخته و بر اهمیت انسجام در تفسیر قوانین جدید تأکید می‌گردد.

۲-۱. نگاهی به پیشینه موضوع در حقوق ایران

پیشینه حقوقی چک در ایران از قدمتی مثال زدنی برخوردار است، که به طور دقیق، ریشه‌های معرفی و رواج استفاده از آن، به عنوان یکی از ابزارهای پرداخت، به زمان تأسیس «بانک جدید شرقی» در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ بازمی‌گردد. پس از خریداری این بانک توسط «بانک شاهنشاهی ایران» در سال ۱۳۰۷، کاربرد چک همچنان ادامه یافت و این بانک با دریافت چک‌های دارای محل

از مشتریان، معادل مبلغ آن‌ها را به صورت اسکناس چاپی جدید در اختیار دارنده قرار می‌داد. به مرور زمان، افتتاح حساب جاری و ارائه دسته چک در بانک‌ها رواج پیدا کرد، که این روند نهایتاً در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ به رسمیت شناخته شد و مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ این قانون به چک، به عنوان یک سند تجاری، اختصاص یافت.^۱ البته باید توجه داشت، که در طول زمان، این سند تجاری شامل تغییرات بنیادینی شد که شکل کنونی آن تحت تأثیر تحولات اخیر قانون صدور چک - مصوب سال ۱۳۵۵ - و اصلاحات بعدی آن به ویژه موارد منتهی در سال ۱۳۹۷، قرار گرفته است. مهم‌ترین تغییرات حاصله از این اصلاحات، اجرای سامانه صیاد و الزام به ثبت و تأیید چک‌های صادره با هدف رصد و پیگیری دقیق‌تر آن‌ها، و کاهش تخلفات مرتبط بود.^۲ با راه‌اندازی این سامانه در سازوکار بانکی کشور و الزامی شدن ثبت و تأیید چک‌های صادره توسط طرفین معامله، امنیت معاملات تجاری به طور محسوسی افزایش یافت، به طوری که مطابق با آمار منتشره، از هر ۱۰۰ چک قدیمی، ۱۰ فقره و در مقابل از هر ۱۰۰ چک جدید، ۶ فقره برگشت می‌خورد.^۳

اما، علی‌رغم اثرات مثبتی که پیاده‌سازی این نوآوری با خود به ارمغان آورد، به مرور زمان چالش‌های متعددی در نظام حقوقی کشور و تغییرات گسترده‌ای در رویه‌ی قضایی پدیدار شد. به نظر می‌رسد که یکی از علل بنیادین به وجود آمدن چنین چالش‌هایی، تلاش مقنن برای حفظ سازوکارهای سنتی پیشین، به موازات ایجاد سازوکاری نوین است که اصرار بر این امر، خود را در قالب مشکلات کاربردی موجود نشان می‌دهد. یکی از این چالش‌ها، وجود ابهام در بند ۸ ماده‌ی ۶ دستورالعمل اجرایی ماده‌ی ۶ اصلاحی قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۹ شورای پول و اعتبار می‌باشد. به موجب این بند، اعطای دسته چک جدید به اشخاصی که کمتر از چهار پنجم از مجموع تعداد برگه‌های آخرین دسته چک اعطایی به ایشان، به بانک ارائه و یا در سامانه صیاد ثبت شده، ممنوع می‌باشد.

طبیعی است که در نگاه اول، اینطور برداشت شود، که مقنن در راستای افزایش امنیت معاملات تجاری، اعطای دسته چک جدید به اشخاصی، که اعتبار آنان هنوز به طور قطعی قابل سنجش نیست، را ممنوع اعلام کرده است؛ همان‌طور که پیش‌تر تصمیمی مشابه را با تدوین

۱. صقری، ۱۳۸۰.

۲. توکلی، ۱۴۰۲.

۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱.

ماده‌ی ۱۶ دستورالعمل حساب جاری مصوب سال ۱۳۹۳، و بعدها در قالب ماده‌ی ۸ اصلاحیه‌ی دستورالعمل اخیر در سال ۱۳۹۷، اتخاذ کرده بود. اما باید توجه داشت، که صرف حفظ رویه‌ی پیشین، بدون عنایت به تغییرات بنیادینی که سامانه‌ی صیاد با خود به همراه داشت، اصراری از باب کم توجهی به مسائل عملی و کاربردی است.

به‌طورکلی، رویکرد مقنن برای افزایش امنیت معاملات در سال‌های گذشته، منوط کردن تحویل دسته‌چک جدید به بازگشت تمامی برگه‌های دسته‌چک‌های قبلی، و حداقل چهار پنجم از برگه‌های آخرین دسته‌چک اعم از صادرشده یا ابطال شده، به بانک است. با در نظر گرفتن این مسئله و الزام ثبت و تأیید چک‌ها در سامانه صیاد توسط طرفین درگیر در معامله، در فرضی که دارنده‌ی چک، آن را در سامانه نه رد و نه تأیید کند، چک در وضعیتی معلق قرار گرفته و فرایند ثبت آن تکمیل نمی‌شود. تعدد این مسئله در برابر صادرکننده سبب خواهد شد که صادرکننده نتواند هنگام اتمام برگه‌های دسته‌چک فعلی خود، تقاضای دریافت دسته‌چک جدیدی را به بانک تقدیم کند، چرا که، علی‌رغم تحویل برگه‌چک به دارندگان آن، هنوز چهار پنجم از چک‌های صادره‌اش به طور کامل در سامانه‌ی صیاد ثبت نشده است. این وضعیت نه‌تنها فعالیت‌های تجاری صادرکننده را مختل می‌کند، بلکه او را در معرض نوعی مجازات ضمنی قرار می‌دهد که مقنن باید آن را در برابر اشخاصی اتخاذ می‌کرد که از اعتبار کافی برای اخذ دسته‌چک برخوردار نیستند، همان‌طور که در مصوبات اشاره شده در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ نیز به نظر می‌رسد که اصرار مقنن بر این امر حاکی از غرضی مشابه می‌باشد. همچنین از منظری دیگر، حالت ایجاد شده مذکور، موقعیت سوءاستفاده‌ی دارندگان چک از صادرکننده را فراهم می‌کند که خود آثار کیفی زیانباری را می‌تواند به همراه داشته باشد. مثل آنکه فرض شود دارنده‌ای با عدم تأیید چک در سامانه‌ی صیاد، صادرکننده را به ایجاد اختلال در فعالیت‌های تجاری آتی‌اش تهدید کرده یا ایشان را به انعقاد قراردادی خاص اکراه کند. پر واضح است که حالت ایجاد شده، نقض غرض ضمنی مقنن از وضع چنین حکمی می‌باشد.

با عملیاتی‌کردن سامانه‌ی صیاد و فراگیرشدن آن، اهمیت رفع مشکل مورد بحث به دلیل اختلالات گسترده‌ای که با خود به همراه داشت، بیش از پیش روشن شد. از این‌رو، بانک مرکزی در تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۰، به منظور تسهیل دریافت دسته‌چک صیادی توسط اشخاص حقوقی که با این محدودیت روبرو شده بودند، صرف «ثبت یک‌جانبه» هشتاد درصد برگه‌چک‌های

دسته چک فعلی صادرکننده در سامانه‌ی صیاد را برای دریافت دسته چک جدید مورد پذیرش قرار داد، ولو اینکه چک‌های موصوف در سامانه‌ی صیاد به «تأیید» گیرنده چک نرسیده باشند.^۱ علی‌رغم تصویب مقررۀ فوق‌الاشاره، که صرفاً ناظر به اشخاص حقوقی است، مشکل مورد بحث در خصوص اشخاص حقیقی بدون راه‌حل باقی ماند، تا آنکه که بانک مرکزی با صدور بخشنامه شماره ۱۱۷۵۳۳ در تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۱، درصد ارائه راه‌کاری برای اشخاص حقیقی برآمد. در این بخشنامه که خطاب به مدیران عامل بانک‌های کشور می‌باشد، مقرر شده است که با عنایت به مشکلات ایجاد شده برای برخی اشخاص دارنده یا ذی‌نفع چک که اقدام به اخذ چک از صادرکننده یا انتقال‌دهنده چک بدون ثبت مراتب در سامانه صیاد نموده و از طرفی امکان دسترسی به صادرکننده یا انتقال‌دهنده چک نیز، بنا به دلایل مختلف را میسر نمی‌بینند، ترتیبی حاصل شود که گواهی یا اعلامیه‌ای با عنوانی مانند «اعلامیه عدم ثبت برگه چک در سامانه صیاد» از سوی بانک به دارنده‌ی چک در پاسخ به درخواست وی، یا در پاسخ به استعلام‌های صورت‌گرفته از سوی مراجع قضایی، شبه قضایی یا ثبتی، به طور متمایز از گواهی‌نامه‌های مرسوم «عدم پرداخت چک» صادر شود، به نحوی که چنین گواهی یا اعلامیه‌ای صرفاً مؤید و متضمن عدم امکان اقدام بر روی چک به دلیل الزام قانونی پیش‌گفته باشد.^۲

با در نظر گرفتن هر دو مقررۀ بحث شده، که ناظر به تمامی اشخاص است، این‌طور به نظر می‌رسد که عدم پیش‌بینی سازوکاری در متن قانون صدور چک که به طور خاص ناظر به این مسئله باشد، دیگر مشکل ساز تلقی نشود. اما به دلیل عدم ابلاغ صحیح و فوری بخشنامه‌ها و مقررات به شعب بانک‌های سطح کشور که امروزه به طور خاص در موارد اشاره شده کاملاً مشهود است، باز هم با تکرار مشکلات و اختلالات ناشی از عدم پیش‌بینی چنین مسئله‌ای در متن قانون روبرو خواهیم شد. بر این اساس، دور از ذهن نیست که باور داشت مقنن مقررات ذکر شده را نه به‌عنوان راه‌حلی دائمی، بلکه موقتی در نظر گرفته است، چرا که اولاً: مقنن با ارائه چنین راه‌حلی در مقام نظارت بر اجرای صحیح و کامل آن برنیامده است؛ ثانیاً: مقنن باور دارد که تا آینده‌ای نزدیک، سازوکارهای موجود در قبال چک‌های کاغذی تماماً برچیده خواهد شد و نیازی نمی‌بیند که برای امری که خود آن را موقت می‌پندارد، راه‌حلی دائمی را مورد تقنین قرار

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰.

۲. معاونت منابع انسانی دادگستری کل استان تهران، ۱۴۰۳.

دهد. در خصوص ادعای فوق، مقنن در بند ج ماده‌ی ۱۰ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران به صراحت اعلام می‌دارد، که بانک مرکزی مکلف است تا به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی نماید که از زمان تصویب این برنامه تا پایان سال سوم آن، صدور چک کاغذی در نظام بانکی کشور صورت نپذیرد. اما چنین چشم‌اندازی که مقنن آن را برای اجرای سیاست‌های پولی آتی خود متصور است، باز هم سبب نمی‌شود که توجیه مناسبی برای نادیده‌گرفتن مسئله فوق‌الاشاره فراهم شود، زیرا با رجوع به تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۱۰ قانون اخیر، مقنن برای چک‌های کاغذی صادرشده بانکی، قبل و بعد از لازم‌الاجرا شدن قانون اخیر و تا مصرف و هزینه کامل آن‌ها در سنوات بعد نیز اعتبار قائل شده است، بنابراین حتی در فرض عدم تأخیر در اجرای سازوکاری مناسب برای معرفی چک تمام الکترونیک در نظام بانکی کشور، که عیناً مطابق چشم‌انداز پیش‌بینی شده اعمال شود، به دلیل عدم وجود پاسخی قاطع در متن فعلی قانون، مشکل مورد بحث می‌تواند تا مدتی پس از معرفی چک تمام الکترونیکی نیز باعث اختلال در امور تجاری افراد شود. مانند فرضی که در آن صادرکننده به سبب آنکه نمی‌تواند چک‌های خود را به طور کامل در سامانه‌ی صیاد ثبت نماید، احتمالاً فرصت درخواست اعتبارسنجی برای دریافت قابلیت صدور چک تمام الکترونیکی را نیز از دست بدهد.

علاوه بر نکات مورد اشاره، با در نظر گرفتن اصل حکومت زمانی قوانین بر امور مدنی، اگر نیاز باشد تا پس از معرفی چک تمام الکترونیکی، در خصوص چک‌های کاغذی فرایند دادرسی قضایی شکل گیرد، باید قانون زمان تنظیم سند تجاری را حاکم بر رابطه‌ی حقوقی شکل‌گرفته بر پایه‌ی آن تلقی کرد؛ بنابراین عدم حل این مسئله، صرفاً ناظر به تسهیل دریافت دسته‌چک کاغذی تا مدت‌زمان مرسوم در ماده‌ی ۱۰ قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود و ابعاد گسترده‌تری را حتی در زمان حاکمیت قوانین لاحق، نیز در بر خواهد گرفت که فرایند ثبت چک را فارغ از کاغذی یا الکترونیکی بودن به کلی به چالش می‌کشد.

۲-۲. بررسی ماهیت چک تأیید نشده

پیش از آنکه به بررسی رویه قضایی موجود در خصوص موضوع مورد بحث در این مقاله پرداخته شود، نخست نیاز است تا ماهیت چک تأیید نشده تبیین گردد، چرا که با شناخت ماهیت این موضوع، درک احکام و آثار پیرامون آن نیز تسهیل خواهد شد. به موجب تبصره‌ی یک ماده‌ی ۲۱

مکرر قانون صدور چک، هرگاه مالکیت چک - خواه از طریق صدور یا ثبت انتقال - در سامانه‌ی صیاد «ثبت» نشود، چک «ثبت نشده» تحت شمول این قانون شناخته نخواهد شد. به عبارتی دیگر، عدم «ثبت» چک در سامانه‌ی صیاد، سبب از دست رفتن ویژگی‌های پیش‌بینی شده در این قانون و وصف تجاری چک است^۱ و در واقع سند صادر شده اساساً چک محسوب نمی‌شود و تبعاً آثار و مزایای چک به عنوان سند تجاری را ندارد. بنابراین، منطقی است که چنین سندی را از جایی که دیگر تحت شمول قانون صدور چک نیست، تابع قواعد عام مدنی تلقی کرد. البته باید توجه داشت که نظر فوق، بر این فرض استوار است که فرایند ثبت چک، اعم از ثبت مندرجات در سامانه‌ی صیاد توسط صادرکننده، و تأیید آن توسط دارنده تلقی گردد.

بنا بر اوصاف اشاره شده، صرف عدم تأیید چک - از جایی که به تنهایی سبب عدم تکمیل فرایند ثبت چک است - می‌تواند این سند تجاری را به سندی مدنی تبدیل کند. چرا که بهتر است با عنایت به تشریفات بودن فرایند ثبت اسناد تجاری، صحت این دسته از فرایندها را مقید به تکمیل تمامی مراحل آن بدانیم، نه آنکه در این خصوص حالتی مطلق را متصور شویم که صرف اجرای تشریفات قانونی محوله از جانب یکی از طرفین به تنهایی سبب بار شدن آثار حقوقی ثبت آن سند شود که در موضوع اخیر، تجاری تلقی شدن چک است.

در خصوص این موضوع، بانک‌های محال علیه، با استناد به قانون اخیر تکلیف کارسازی چنین سندی را به علت عدم تکمیل فرایند ثبت چک از خود سلب می‌کنند، بنابراین، با اسقاط تکلیفی چنین عام، بانک محال علیه نیز وظیفه‌ای در قبال صدور گواهی عدم پرداخت برای چک‌های تأیید نشده نخواهد داشت. حال، با توجه به شرایط مذکور، وصول چک تأیید نشده جز با رجوع به قواعد عام مدنی راه مضاعفی نخواهد یافت، چرا که حتی در فرض صحت صدور چنین چکی، برای استفاده از ویژگی‌های تجاری آن، دارنده‌ی چک ناگزیر به ارائه چک به بانک محال علیه است، در حالی که بانک تکلیفی ندارد تا به طریق اولی به کارسازی چنین چکی بپردازد و بخواهد دست به صدور گواهی عدم پرداختی بزند که ناظر بر چک تأیید نشده باشد.^۲

البته ممکن است، با در نظر گرفتن آثار پذیرش نظر مذکور - که مبین عدم وجود تفاوت در ماهیت چک ثبت نشده با چک تأیید نشده است - در صحت آن دچار تردید شد، چرا که در

۱. کاویانی، ۱۴۰۱.

۲. اسکینی، ۱۴۰۲.

نقد نظر فوق می‌توان افزود که علی‌رغم عدم وجود تفاوتی عملی میان تفکیک حالات مذکور، در فرض فوت دارنده‌ی چک قبل از تأیید آن، با مدنی تلقی کردن چک تأیید نشده حقوق وراثت ایشان می‌تواند مورد تضییع واقع شود. همچنین علاوه بر نظر فوق، باید اذعان داشت که عدم صراحت مقنن در تشریح مراحل فرایند ثبت در قانون صدور چک و صرف استفاده از عبارات «ثبت (مالکیت) چک» یا «ثبت انتقال چک» به شیوهٔ اطلاق، ظهور در قصد مقنن به استعمال مفهومی دارد که به خودی خود شامل همه مصادیق ثبت، از جمله حالت ثبت چک پیش از تأیید آن نیز می‌شود.

در پاسخ، باید اظهار کرد که غرض مقنن از استعمال عبارت «ثبت» عیناً برخلاف تفسیر فوق است، چرا که ایشان با علم به آثار یکپارچه تلقی شدن فرایند ثبت چک و مشروط کردن تکمیل آن به طی تمامی تشریفات عنوان شده، راه‌حلی متفاوت را برای شخص حقوقی معرفی کردند. بنابراین می‌توان با بررسی مفهوم مخالف اطلاعیهٔ منتشره توسط بانک مرکزی در تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ که پیش‌تر به آن اشاره شد، به سادگی به این موضوع پی برد. مضافاً، اگر مقنن تفکیک میان مراحل ثبت را به رسمیت می‌شناخت و برای هر کدام از مراحل آن اعتباری مجزا قائل می‌شد، حتماً آن را در نص قانون درج می‌کرد؛ همچنین است در خصوص کامل تلقی کردن این فرایند به صرف ثبت مندرجات چک توسط صادرکننده.

۲-۳. ماهیت ترک فعل دارنده چک صیادی (عدم تأیید چک در سامانه)

نظر به وجود احکام و نظریات مشورتی مختلف در موضوع مورد بحث - که در ذیل حسب مورد به آن‌ها اشاره می‌شود - مذاقه در احراز ماهیت رفتار «عدم تأیید چک» از سوی دارنده نیز می‌تواند به درک بهتر نظریات بیان شده کمک شایانی کند. از این رو، مطلوب است که میان علل رفتاری عدم تأیید چک، در سه فرض مختلف قائل به تفکیک شد تا توجیه تفاسیر متفاوتی که از قانون ارائه شده است، تسهیل گردد:

۲-۳-۱. عدم تأیید چک به مثابه اقدام بر علیه خود

اولین فرضیه‌ای که به ذهن متبادر می‌شود، امکان اقدام دارنده بر علیه خود است، زیرا به ندرت اتفاق می‌افتد که شخصی نسبت به قبول مالی که نسبت به آن مالکیتی یافته، تأخیر کند. در این

زمینه، نظریه شماره ۱۴۷۸/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۵ اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز به صراحت موضوع را در چارچوب قاعده اقدام تبیین کرده است. به موجب این نظریه و مطابق با تبصره اصلاحی ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، «صدور و پشت‌نویسی چک بدون ثبت در سامانه صیاد فاقد اعتبار است» و درج این عبارت در متن چک الزامی می‌باشد؛ بنابراین دارنده‌ای که علی‌رغم قید این عبارت و بدون رعایت ترتیبات لازم، چک را پذیرفته است، عملاً خود را از امتیازات قانونی مربوطه محروم ساخته است. در نقد این نظریه، که در نهایت باعث تضعیف امکان استماع دعوای الزام به ثبت چک در سامانه‌ی صیاد است، باید اشاره داشت که اولاً: استماع دعوای مستلزم تصریح مقنن نبوده و همواره اصل بر استماع و اصل بر حق دادخواهی می‌باشد، بنا بر این، مسموع در نظر نگرفتن دعوایی که استماع آن می‌تواند باعث احقاق حق شود، خلاف اصل بیان شده است. ثانیاً: در فرض حاضر، نباید در مسموع بودن چنین دعوایی تردید کرد؛ چرا که نفع صادرکننده چک - به عنوان خواهان دعوای مورد اشاره - از جایی مسلم است که با تحقق خواسته، شرایط ذی‌نفعی کاملاً با نتیجه حاصله منطبق است. به عبارت دیگر، و به طور کلی می‌توان چنین گفت که خواهان تنها در صورتی ذی‌نفع در دعوای خود است که در صورت محکومیت خوانده، از نتیجه دعوا به طور شخصی، مستقیم و قانونی بهره‌مند شود. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که دادرسی می‌بایست پیش از ورود به ماهیت دعوا، شرایط نفع را بررسی نموده و در صورت تأیید، ذینفعی خواهان را بر اساس معیارهای مذکور تثبیت کند.^۱ مع الوصف، خواهان همواره باید به طریقی از نتیجه دعوا در صورت محکومیت خوانده؛ شخصی، مستقیم و قانونی منتفع و بهره‌مند شود^۲ که حالت اخیر در خصوص خواهان این دعوا صادق است. ثالثاً: باید خاطر نشان کرد که عدم استماع دعوای الزام به «تأیید» چک با استناد به قاعده اقدام، اساساً منطقی نبوده و فاقد حجیت است، چرا که با مرور قواعد ناظر بر قاعده اقدام، تمامی زیان ناشی از فعل زیان‌بار می‌بایست متوجه صاحب حق یا صاحب مال باشد. اما در این بحث، نفع صادرکننده در دریافت دسته چک جدید واضح بوده که رفتار دارنده مبنی بر عدم تأیید چک، موجب ورود زیان به صادرکننده است؛ بنابراین، روشن است که با تخصیص خوردن قاعده لاضرر از دایره شمولیت قاعده اقدام، نمی‌توان آن را نسبت به این فرض جاری دانست.^۳

۱. افتخارجهرمی و السان، ۱۳۹۹.

۲. شمس، ۱۳۹۴.

۳. محقق داماد، ۱۴۰۶ هجری قمری.

۲-۳-۲. عدم تأیید چک به عنوان نشانه عدم رضایت

عده‌ای از حقوق‌دانان باور دارند که عدم تأیید چک توسط دارنده، نشانگر رد ضمنی آن سند و دلالت بر فقدان عنصر رضایت دارنده دارد. این نظر بر این پایه استوار است که برای صدور صحیح چک، رعایت شرایط ماهوی و شکلی آن امری لازم است. از بین این شرایط ماهوی، رضایت داشتن طرفین بر این عمل حقوقی و مجبور یا مُکره نبودن نشان بسیار حائز اهمیت است.^۱ این دیدگاه به دلیل تأکید بر ویژگی امنیت معاملات تجاری و سایر خصوصیات حقوقی چک به عنوان سندی شبیه به حواله، قوت یافته است؛ چراکه طبق رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۶۸۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، چک، همانند حواله، به رضایت دارنده به عنوان محتال نیاز دارد. به علاوه، طبق ماده‌ی ۷۲۵ قانون مدنی، رضایت دارنده به عنوان یکی از شرایط اساسی صدور سند حواله به شمار می‌آید. بر این اساس، عدم تأیید چک می‌تواند در برخی موارد نشانگر عدم رضایت دارنده قلمداد شود. به نظر می‌رسد که هدف از این تفسیر، تضمین قاطعیت چک به عنوان سندی تجاری است که تنها با تأیید دارنده ارزش قانونی خواهد یافت.

با این حال، این دیدگاه با ایراداتی مواجه است. اگر عدم تأیید چک به معنای فقدان عنصر رضایت دارنده نسبت به چک باشد، باید پرسید چرا دارنده در وهله اول این سند را به صورت فیزیکی پذیرفته است؟ چرا که قبول فیزیکی چک به عنوان یک فعل مادی، در اغلب موارد نشان‌دهنده پذیرش آن است و معمولاً در معاملات تجاری این پذیرش به عنوان تأییدی بر تعهدات ناشی از چک تفسیر می‌شود. به بیان دیگر، پذیرش فیزیکی چک از سوی دارنده حاکی از آن است که او اصولاً چک را به عنوان یک سند تجاری معتبر پذیرفته و نسبت به مندرجات آن دارای رضایت است.

نقد دیگر بر این دیدگاه این است که، در معاملات تجاری، پذیرش سندی مانند چک اغلب به منزله اعتماد به روند قانونی و تعهدات صادرکننده است و مراحل بعدی تأیید می‌تواند جنبه‌ای از تشریفات داشته باشد و نه شرطی اساسی. در نتیجه، در شرایطی که دارنده چک را به صورت فیزیکی می‌پذیرد و آن را در جریان معاملات تجاری قرار می‌دهد، منطقی به نظر نمی‌رسد که صرف عدم تأیید الکترونیکی را به معنای فقدان رضایت کامل او تفسیر کرد.

۲-۳-۳. عدم تأیید چک به مثابه سوءاستفاده از حق

سوءاستفاده از حق، به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوقی، ناظر به مواردی است که فرد با استفاده از حق قانونی خود، موجبات زیان به دیگری را فراهم آورد. در این زمینه، حقوق دانان بر این باورند که هیچ کس نمی تواند از حق خود به گونه ای استفاده کند که منجر به نقض حقوق دیگران یا تحمیل ضرر نامتناسب بر آن ها شود. اصل چهلم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح دارد که: «هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». همچنین، باید یادآور شد که سوءاستفاده ای از حق ناظر به آن دسته از مواردی است که امکان اضرار به غیر، در ذات و طبیعت آن حق است.^۱ همچنین ضابطه تحقق سوءاستفاده از حق، شامل ورود ضرر به دیگری، وجود عمد در فعل زیانبار و احتمال یا پیش بینی وقوع خسارت می باشد؛ بنابراین فاعل زمانی مسؤول شناخته می شود که فعل زیانبار وی، خارج از چارچوب معمول بوده و به رفع حاجت یا دفع ضرر نینجامد.^۲

در ارتباط با موضوع مورد بحث، اگرچه که برخی حقوق دانان بر این باورند که صرف خودداری از انجام عملی که ممکن است منجر به خسارت شود، از مصادیق تجاوز از حق محسوب نمی شود و لزوماً باید عملی مثبت صورت گیرد که به طور عمدی یا غیرمستقیم ضرر را وارد کند،^۳ اما باید توجه داشت، که در مواردی ترک فعل نیز می تواند در صورتی که زمینه بروز ضرر به دیگری را فراهم کند، نوعی سوءاستفاده از حق قلمداد شود.^۴ بنابراین، علی رغم اینکه در مسئله این مقاله در خصوص عدم پذیرش چک، عمل دارنده مبنی بر امتناع از پذیرش چک صادر شده به طور کلی فاقد منع قانونی است؛ اما در صورتی که این امتناع با قصد وارد آوردن ضرر به صادرکننده صورت گیرد - که در این فرض، ضرر مدنظر دارنده ایجاد خلال در دریافت دسته چک جدید توسط صادرکننده است - می توان چنین ترک فعلی را به عنوان مصداقی از سوءاستفاده از حق دانست و دارنده را مسؤول شناخت. حالت حاضر، مشابه با فرضی است که خریدار یک کالا، با امتناع از دریافت آن بدون وجود دلیلی موجه اعم از اختلاف قراردادی یا مشکل کیفیتی در مبیع، قصد ورود ضرر به فروشنده را از طریق تحمیل هزینه انبارداری به ایشان می کند. چنین عملی نیز به

۱. کاتوزیان، ۱۳۵۸.

۲. شهیدی، ۱۳۸۰.

۳. همان

۴. السان و همکاران، ۱۴۰۱.

عنوان سوءاستفاده از حق تعبیر می‌شود، اگرچه با ترک فعل تحقق می‌یابد. بنابراین، مطلوب آن است که این رفتار به عنوان مصداقی از سوءاستفاده از حق تلقی شود. چراکه این عمل می‌تواند به طور مستقیم موجب وارد آمدن زیان به صادرکننده شود. زبانی که امکان استفاده قانونی از چک توسط صادرکننده جهت اعتبار بخشی به معاملات آتی را سلب کرده و او را از دسترسی به امتیازات تجاری، نظیر دریافت دسته چک جدید یا حفظ اعتبار مالی، محروم می‌کند.

حال، بنا بر نکات ذکر شده و با مذاقه در تحلیل ماهیت سوءاستفاده از حق در نظام حقوقی ایران، می‌توان مسئله‌ی مورد بحث را در دو دسته‌بندی مطرح نمود: نخست، اگر دارنده چک با انگیزه وارد کردن زیان به صادرکننده از تأیید چک خودداری کند، این رفتار آشکارا مصداق سوءاستفاده از حق است. به بیان دیگر، در این فرض، هدف اصلی از عدم تأیید چک، نقض منافع مشروع صادرکننده و محروم ساختن وی از امتیازات قانونی بوده که عدم مشروعیت این فعل را به طور واضح نشان می‌دهد. دوم، در مواردی که رفتار دارنده با عرف و قواعد تجاری سازگار نبوده و حتی اگر انگیزه مستقیم اضرار به غیر نیز در وی وجود نداشته باشد، رفتار دارنده ممکن است به عنوان سوءاستفاده از حق تلقی شود. بعلاوه، دادگاه‌های ما در صورت مواجه شدن با دعوای مورد بحث و با توجه به سکوت مقررات فعلی بانکی در این زمینه، می‌توانند در کنار اصل ۴۰ قانون اساسی، از ظرفیت ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی^۱ و امکان استناد به اصول حقوقی بهره برده و از اصل منع سوءاستفاده از حق، به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی مورد پذیرش در حقوق ایران، برای مستند ساختن رأی خود بهره ببرند.

در نهایت، باید یادآور شد که اگرچه اختیار تأیید چک، در ظاهر به عنوان یک حق قانونی برای دارنده مطرح است، اما اگر از این حق به گونه‌ای استفاده شود که منجر به ورود ضرر نامتناسب به صادرکننده گردد، مصداق سوءاستفاده از حق خواهد بود. چنین رفتاری، با برخی از اصول بنیادین نظام حقوقی ایران مانند قاعده لاضرر، اصل انصاف، و الزامات ناشی از عرف

۱. ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی: «قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند والا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.»

معاملات تجاری در تضاد است. بر این اساس، لازم است که دادگاه‌ها در بررسی این موارد، به نیت و آثار رفتار دارنده توجه کرده و در صورت احراز سوءاستفاده، مانع از استمرار آن شوند. به عبارت دیگر، ترجیح این مبنای سوءاستفاده از حق بر دو مبنای دیگر آن است که در دو مبنای نخست، صرف اقدام دارنده علیه خود و عدم رضایت دارنده، فی نفسه معطی حق اقامه دعوی به صادرکننده نیست اما سوءاستفاده از حق، چون صراحتاً منع شده و موجب اضرار صادرکننده است، لذا صادرکننده از ذی نفع اقامه دعوی می‌کند و لذا شرط ذی نفعی مقرر در ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی^۱ را محقق می‌سازد؛ ضمن اینکه دادگاه نمی‌تواند مستند به بند ۱۰ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ قانون مزبور^۲، به استناد ذی نفع نبودن صادرکننده، قرار رد دعوی صادر نماید.

۲-۴. امکان سنجی دعوای الزام به ثبت یا تأیید چک در سامانه‌ی صیاد

همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید، عدم تأیید چک توسط دارنده سبب کامل نشدن فرایند ثبت چک در سامانه‌ی صیاد است و به‌تنهایی می‌تواند سبب تغییر ماهیت چک از سندی تجاری به سندی مدنی شود. در این حالت، یکی از راه‌کارهای قریب به ذهن و درعین حال نه‌چندان مطلوب، طرح دعوای الزام به ثبت یا الزام به تأیید چک در سامانه‌ی صیاد از جانب ذی نفعان می‌باشد که نیاز است به‌صورت مجزا محل بحث واقع شود. در این خصوص، نخست باید امکان سنجی لازم برای استماع دعوای الزام به ثبت چک از جانب دارندگان چک بررسی شود. به‌طور خاص، باید توجه داشت، که آیا حفظ ویژگی‌های تجارتهای سند بیان شده، منفعت بیشتری برای ذی نفعان خواهد داشت تا آنکه به دنبال طلب دین خود از طرق مطروحه بر اساس قواعد عام مدنی بروند؟ یا اینکه برای ادامه‌ی معاملات آتی صادرکننده که حسب مورد می‌تواند برای

۱. ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به‌دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.»

۲. طبق بند ۱۰ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی: «در موارد زیر خواننده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند: ۱۰... خواهان در دعوای مطروحه ذی نفع نباشد.» و بر اساس ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی: «در مورد بند (۱) ماده (۸۴) هرگاه دادگاه خود را صالح نداند مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت می‌نماید و طبق ماده (۲۷) عمل می‌کند و در مورد بند (۲) ماده (۸۴) هرگاه دعوا در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی به دعوا خودداری کرده پرونده را به دادگاهی که دعوا در آن مطرح است می‌فرستد و در سایر موارد یادشده در ماده (۸۴) قرار رد دعوا صادر می‌نماید.»

ایشان حیاتی باشد، باید طرح دعوا صورت پذیرد؟ شایان ذکر است، که مقصود از عدم مطلوبیت این راه کار، طولانی بودن فرایند دادرسی قضایی برای سندی است که ذی نفعان آن اغلب به فعالیت های تجاری مشغول بوده و از لحاظ زمانی در مضیقه هستند. به علاوه، در فرض طرح دعوای الزام به ثبت چک در سامانه ی صیاد توسط دارنده، معقول به نظر نمی رسد که برای دریافت سندی که شمول آن ذیل قواعد مطروحه در قانون تجارت هنوز در شبهه است، دست به طرح دعوای مدنی از نوع اخیر زد، درحالی که می توان مستقیماً به مطالبه اصل دین پرداخت. حال اگر مطابق با فرض دوم، ذی نفع قصد طرح دعوای الزام به تأیید چک در سامانه ی صیاد را داشته باشد، دور از ذهن نیست که امکان استماع چنین دعوایی به مانند دعوای الزام به ثبت چک محل بحث واقع شود. دراین خصوص، اداره کل حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه ی مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۴۷۸ اعلام داشته است از جایی که «ثبت چک» در سامانه ی صیاد از شرایط اساسی صدور چک بوده و حکمی مستفاد از تبصره ی اصلاحی ماده ی ۲۱ مکرر قانون صدور چک است، مادامی که صدور چک بدون ثبت در سامانه ی یاد شده صورت پذیرد، چک مذکور از شمول قانون صدور چک خارج خواهد بود. با مذاقه در نکات بیان شده ی فوق، به نظر می رسد که با استناد به این نظریه، چکی که از جانب دارنده تأیید نشده را می توان مشابه چک های ثبت نشده تلقی کرد، چرا که عدم تأیید چک در سامانه ی صیاد، سبب عدم ثبت صدور آن به طور کامل است که در هر صورت عادی تلقی شدن سند صادره را به همراه دارد. مضافاً که با پذیرفتن نظریه فوق، عنوان خواسته در نتیجه ی یک خطای منطقی نمود پیدا کرده و صرفاً در معنای مجازی خود به علاقه ی مایکون استفاده شده است، چرا که اساساً چکی صادر نگردیده که بتوان الزام به انجام تعهدی در قبال آن را چه بابت ثبت چک از جانب دارنده یا برای تأیید آن از جانب صادرکننده درخواست کرد.

البته باید اشاره داشت، که نظریه مشورتی اخیر و استدلال فوق، مانع از آن نیست که چنین دعوایی را مسموع و قابل طرح ندانست. در این راستا، شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی استان تهران اقدام به صدور رأی موافق با امکان الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه ی صیاد به شماره دادنامه ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۰۱۱۰۱۳۰۰ نمود. این دادگاه استدلال کرد که اولاً باید توجه داشت که اصل بر آزادی انتخاب نوع دعوا و حق اشخاص در طرح دعوای است، بنابراین استناد به برخی نظرات در دکترین حقوقی که ثبت چک را بی اهمیت می دانند

و دعوای مطالبه وجه چک ثبت نشده را توصیه نمی‌کنند، مصداقی از نادیده گرفتن این حق خواهان خواهد بود. همچنین، دعوای الزام به ثبت چک در سامانه‌ی صیاد آثار و مزایای مهمی دارد که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت و مزایای تجاری تلقی شدن چنین سندی را به راحتی از آن سلب کرد که این مزایا عبارتند از امکان برگشت زدن چک و تحمیل محرومیت‌های مذکور در قانون چک به صادرکننده چک و وادار نمودن او به سازش با دارنده به جهت رفع محرومیت‌ها، امکان اخذ قرار تأمین خواسته بدون پرداخت خسارت احتمالی، امکان اخذ اجرائیه بدون محاکمه‌ی موضوع ماده ۲۳ قانون چک بدون پرداخت هزینه دادرسی و امکان محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک از تاریخ چک تا زمان وصول.

ثانیاً، صادرکنندگان چک دارای تعهدی ضمنی به ثبت آن در سامانه صیاد، باتوجه به عرف رایج در معاملات هستند. بدین معنا که چک باید به گونه‌ای صادر شود که قابلیت وصول داشته و تمامی ویژگی‌های یک چک معتبر را دارا باشد. چرا که اگر چنین تعهدی وجود نداشته باشد، اکثر افراد از پذیرش چک خودداری کرده و ممکن است به دلیل آگاهی از عواقب آن، از انجام معامله منصرف شوند. همچنین باید توجه داشت که در بسیاری از موارد، صادرکننده‌ی چک به طور ضمنی تعهد به ثبت آن در سامانه‌ی صیاد می‌نماید، هرچند که چنین تعهدی اغلب به صورت شفاهی بوده و اثبات آن برای دارنده‌ی چک دشوار است؛ بنابراین به نظر می‌رسد که در صورت اثبات تعهد و عرف تجاری معمول در این خصوص، می‌توان الزام به چنین تعهدی را از محکمه صالح درخواست کرد.

با این حال و با عنایت به اینکه مطالب فوق در خصوص امکان سنجی استماع دعوای الزام به «ثبت» چک بیان گردیده است، به نظر می‌رسد که نمی‌توان اکثریت آنان را در خصوص عدم امکان استماع دعوای الزام به «تأیید چک» نیز وارد دانست، چرا که استدلال‌های عنوان شده در فرضی که صادرکننده‌ی چک از طرح دعوای مرتبط با این سند ذی‌نفع است، دارای اثری متفاوت از دعوای الزام به ثبت چک می‌باشند. در این راستا، می‌توان با رجوع به رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۶۸۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، به عمل صدور چک نه به عنوان ایفای، بلکه به مثابه عقد نگریست. چرا که استدلال بیان شده، ریشه در «نوعاً حواله تلقی شدن» چک دارد که این سند تجاری را به یک قرارداد تبدیل می‌کند. با در نظر گرفتن این نکته، حال می‌توان با استناد به ماده‌ی ۲۲۵ قانون مدنی، وظیفه‌ی تأیید چکی که نسخه‌ی فیزیکی آن توسط

دارنده تحویل گرفته شده است را امری متعارف و بر اساس عرف و عادت تفسیر کرد. البته باید در نظر داشت که تأیید یا عدم تأیید چک قبل از قبض نسخه‌ی فیزیکی آن، حق دارنده و ضامن امنیت معاملات تجاری است که نمی‌توان وصف فوق را نسبت به آن جاری دانست. چرا که، شاید بتوان برای صادرکننده‌ی چک، نوعی تعهد عرفی به ثبت چک در سامانه را متصور شد، ولیکن نمی‌توان چنین تعهدی را -مادامی که باعث ورود ضرر ناروا به دیگری نشود- به دارنده‌ی چک تعمیم داد. بدین خاطر که غرض مقنن از اعطای امکان تأیید یا رد چک به دارنده، اهمیت رضایت ایشان در فرایند صدور صحیح این سند تجاری است که بنا بر رأی وحدت اخیر، قلمروی ماده‌ی ۷۲۵ قانون مدنی در باب حواله را به این حوزه باز می‌کند. بنابراین، الزام به تأیید چک صرفاً در زمانی ممکن است که دارنده، نسخه‌ی فیزیکی چک را حتماً تحویل گرفته باشد؛ در غیر این صورت، به علت فقدان عنصر رضا در فرایند صدور چک که ماهیت آن نوعاً حواله بوده و در حواله نیز رضایت محتمل شرط است، اساساً نمی‌توان چنین سندی را صادر شده تلقی کرد. در نهایت، با مدنظر قراردادن آثار گسترده‌ی عدم تکمیل فرایند ثبت چک در سامانه‌ی صیاد که ماهیت این سند را به کلی دستخوش تغییر می‌کند، لازم است که مقنن برای حفظ مصلحت ذی‌نفعان در تحدید دایره‌ی مواردی که چک از زمره‌ی اسناد تجاری تخصیص می‌خورد اقدامات لازم را به عمل آورد تا استماع دعاوی مطروحه نیز با قاطعیت و بدون شک‌وترددید فراهم گردد.

۲-۵. رویه‌ی قضایی و نمونه‌ی آرا

همان‌طور که پیش‌تر در بخش مقدمه به آن اشاره شد، رویه‌ی قضایی امروزی برای مسئله مورد بحث راه‌حل‌های متفاوتی ارائه داده است، که یکی از آن راه‌حل‌ها، مربوط به شماره دادنامه‌ی ۱۴۰۲۶۸۳۹۰۰۰۷۰۲۷۰ می‌باشد. چنین پرونده‌ای، که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد، مبین یکی از مسائل نوظهور در نظام حقوقی ایران است، که موضوع مورد بحث آن از ابهامات سازوکار اجرایی اصلاحات قانون صدور چک و الزام این قانون به استفاده از سامانه صیاد، سرچشمه می‌گیرد.

در این دعوا، خواهان، یک شخصیت حقیقی و فعال اقتصادی، با استناد به لزوم تأیید ۱۳ فقره چک توسط خواننده در سامانه صیاد، از دادگاه تقاضای الزام خواننده به این اقدام را مطرح کرده است. وی اظهار داشته که عدم تأیید چک‌ها از سوی خواننده، علاوه بر نقض تعهدات ناشی از روابط مالی، موجب محرومیت او از دریافت دسته‌چک‌های جدید و ایجاد مانع در

فعالیت‌های اقتصادی‌اش شده است. استدلال خواهان بر این اساس است که تأیید چک‌ها در سامانه صیاد، شرط لازم برای رعایت الزامات قانونی و تداوم روابط تجاری وی است.

در مرحله نخست، دادگاه بدوی دعوای خواهان را رد کرد. استدلال دادگاه این بود که تعهدات ناشی از چک، اعم از پرداخت وجه یا ثبت در سامانه صیاد، اساساً بر عهده صادرکننده است و نه دارنده. از این منظر، خواهان نفع مستقیمی در الزام خواننده به تأیید چک‌ها ندارد. این تصمیم، با استناد به مواد ۲ و ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی اتخاذ شد که به دادگاه اجازه می‌دهد دعوای بدون نفع مشروع و مستقیم را رد کند.

با این حال، در تجدیدنظرخواهی، دادگاه تجدیدنظر استدلال متفاوتی ارائه داد و اعلام کرد که خواهان به دلیل نیاز به تأیید چک‌ها برای رفع محدودیت در دریافت دسته چک‌های جدید، نفع مشروع و مستقیمی در این دعوا دارد، مضافاً که این دادگاه با قیاس مشکل خواهان با مصوبه‌ی بانک مرکزی در خصوص رفع مشکل حاضر که صرفاً اشخاص حقوقی را در بر می‌گرفت و از ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ لازم الاجرا شده بود، استدلال خود را بر پایه‌ی نوعی وحدت ملاک بنیان نهاد که به موجب آن، نیاز به تمدید دسته چک برای اشخاص حقیقی نیز وضعیتی مشابه با اشخاص حقوقی را ایجاد می‌کرد. بنابراین، دادگاه تجدیدنظر استان، با استناد به ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی، با نقض قرار صادره از دادگاه بدوی و اعاده پرونده جهت رسیدگی ماهوی، پرونده را جهت بررسی دقیق‌تر به دادگاه بدوی ارجاع داد.

پس از رسیدگی مجدد، دادگاه بدوی رأی خود را به نفع خواهان صادر کرد و خواننده را ملزم به تأیید چک‌ها در سامانه صیاد نمود. این رأی با استناد به ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، علاوه بر الزام به تأیید چک‌ها، خسارات دادرسی را نیز به نفع خواهان تعیین کرد. این دادگاه استدلال کرد که با توجه به اینکه چک‌های مورد نزاع به خواهان تعلق داشته و عدم تأیید آنها توسط خواننده طبق پاسخ استعلام از بانک مرکزی و بانک ملی محرز بوده است، دعوای خواهان را وارد دانسته و الزام خواننده به تأیید چک‌ها را صادر کرد.

با مذاقه در این رأی، به طور کلی می‌توان ریشه‌ی استدلال‌های دادگاه را تفسیر رفتار خواننده به عنوان مصداقی از سوءاستفاده‌ی از حق دانست. چرا که خواننده با خودداری از تأیید چک‌ها، با ایجاد مانع در مسیر دریافت دسته چک جدید توسط خواهان، ضربه‌ای مستقیم به فعالیت اقتصادی وی وارد کرده است. علاوه بر نکات فوق، به نظر می‌رسد که علت رفتار خواننده در

این پرونده، تلاشی آشکار برای اعمال فشار به خواهان در مناسبات مالی دیگر بوده است. پر واضح است که چنین رفتاری، با ایجاد محدودیت‌های غیرمنصفانه، نه تنها تعهدات عرفی ناشی از معامله‌ی خوانده را نقض می‌کند، بلکه در تضاد با قواعد عمومی حقوقی از جمله قاعده لاضرر قرار دارد. مطابق این قاعده، هر گونه فعل یا ترک فعل که منجر به زیان نامتناسب و غیرموجه به دیگری شود، ممنوع است. در این پرونده، رفتار خوانده، به دلیل پیامدهای زیان بار آن برای خواهان، آشکارا در تعارض با قاعده لاضرر قرار دارد.

التهایه، به دور از انصاف است که رأی فوق‌الاشاره را با عنایت به استدلال‌های مطروحه توسط دادگاه تجدیدنظر و دادگاه بدوی تحسین نکرد. همچنین، باید خاطر نشان کرد که رأی اخیر، گامی مثبت در جهت تبیین مرزهای استفاده مشروع از حق و رعایت انصاف در دعاوی تجاری است. این رأی، باتوجه به اقتضات عملی نظام مالی کشور و در نظر گرفتن اصل عدم سوءاستفاده از حق، تصمیمی مناسب برای ایجاد توازن میان حقوق طرفین اتخاذ کرده است. مضافاً که دادگاه، ضمن ملزم کردن خوانده به تأیید چک‌ها، نشان داد که نظام حقوقی ایران توانایی تطبیق با تحولات نوین و پاسخ‌گویی به نیازهای جدید تجاری را دارد.

با این حال، این رأی می‌تواند سؤالاتی را نیز به دنبال داشته باشد. از جمله این که آیا وظیفه‌ی دارنده به تأیید چکی که اطلاعات آن به طور صحیح در سامانه ثبت شده است، صرفاً وظیفه‌ای اخلاقی یا عرفی است که در حالت عادی امکان طرح دعوی قضایی برای آن موجود نیست و برای درخواست الزام به انجام آن، خوانده باید حتماً دارای سوءنیت باشد یا رفتار وی الزاماً به حادث شدن ضرر بیانجامد؟ یا اینکه چرا دادگاه تجدیدنظر استان در وهله اول میان فرض فوق با مصوبه‌ی بانک مرکزی که صرفاً ناظر بر روابط مالی اشخاص حقوقی بود، وحدت ملاک گرفت؟ درحالی که علت تصویب مصوبه‌ی فوق می‌توانست این‌گونه تفسیر شود که مقنن عامدانه در مقام بیان مزیتی مختص به اشخاص حقوقی برآمده بود و وضع چنین حکمی از سوی ایشان با غرضی مشخص است. پاسخ به سؤالات فوق اما نیازمند دقتی ورای این مقاله بوده و پرداختن به آن‌ها پژوهشی جداگانه را طلب می‌کند.

باری، روند اتخاذ تصمیم در این پرونده نشان می‌دهد که علم حقوق، علاوه بر حفظ چارچوب‌های قانونی، باید به اقتضات عملی و نیازهای روزمره جامعه نیز پاسخ‌گو باشد. چنین رویکردی، نه تنها موجب تقویت اعتماد عمومی به نظام حقوقی می‌شود، بلکه زمینه‌ساز پویایی و انعطاف‌پذیری بیشتر آن در مواجهه با تحولات آینده خواهد بود.

۳. بررسی راهکارهای حقوقی رفع چالش‌ها و امکان اعمال آن‌ها در حقوق ایران

با در نظر گرفتن فقدان راه حلی مستقیم به مسئله مورد بحث، که بتوان آن را از متون قانونی اصطیاد کرد، ناچاراً می‌بایست به ابزار موجود متوسل شد. در این خصوص سه راه حلی که با تحقیقات انجام شده از طریق مصاحبه با قضات، وکلا و کارمندان محترم بانک‌های سطح کشور به دست آمده، به شرح ذیل ارائه می‌گردند:

۳-۱. استفاده از چک موردی

در راستای حل مسئله مطروحه، ممکن است استفاده از چک موردی برای حل مشکل صادرکننده‌ای که به دلیل عدم ثبت و تأیید چک‌های خود در سامانه صیاد قادر به دریافت دسته چک جدید نیست، به عنوان راهکاری مطلوب و در شرایط قانونی و عملی قابل اجرا به نظر برسد. به موجب تعریفی که از تبصره ۲ ماده ۶ قانون صدور چک برداشت می‌شود؛ چک موردی، چکی است که صادرکننده‌ی آن، بدون نیاز به درخواست دسته چک و طی کردن فرایند اعتبارسنجی آن، به طور سالانه می‌تواند تا ۵ برگ از طریق بانک دریافت کند. در این روش، بانک به درخواست مشتری و با رعایت شرایط قانونی و بررسی‌های لازم، در هر دفعه درخواست تا ۲ برگه چک را برای انجام یک معامله یا تعهد خاص صادر می‌کند.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در نگاه اول به نظر می‌رسد که این روش به صادرکننده اجازه می‌دهد تا در کوتاه‌مدت به تعهدات تجاری خود عمل کند و از ادامه فعالیت تجاری خویش باز نماند، چرا که، بسیاری از بانک‌ها از صدور چک موردی برای متقاضیانی که تمامی برگه‌های دسته چک خود را صادر کرده‌اند، ممانعت نخواهند کرد. اما باید توجه داشت که، شرط دریافت چک موردی، نداشتن دسته چک ناتمام در زمان درخواست است، بنابراین در مسئله‌ی حاضر نمی‌توان برای صادرکننده‌ای که امکان درخواست دسته چک جدید از بانک را به دلایل فوق‌الاشاره ندارد، چنین راه حلی را عملی دانست.

۳-۲. استفاده از ابزار دستور عدم پرداخت

در مواردی که صادرکنندگان برای دریافت دسته چک جدید با موانعی نظیر امتناع دارندگان چک از تأیید آن در سامانه صیادی مواجه می‌شوند، بهره‌گیری از راهکارهای قانونی و عملی

که ضمن تأکید بر سرعت آن راه‌کارها، از اختلافات قضایی طولانی‌مدت اجتناب کند، ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که صادرکنندگان در گام نخست از ابزارهای غیرقضایی مانند مذاکره و مصالحه با دارندگان بهره ببرند. از آنجا که طرح دعاوی در مراجع قضایی معمولاً فرایندی زمان‌بر بوده و می‌تواند بر فعالیت‌های تجاری شرکت اثر منفی بگذارد، تلاش برای رفع اختلاف از طریق گفت‌وگو، به‌ویژه در موقعیت‌های تجاری حساس، راه‌کاری مناسب و کم‌هزینه خواهد بود.

با وجود این، اگر مذاکرات و مصالحه نیز به نتیجه نرسید و دارندگان چک همچنان از تأیید دریافت چک در سامانه صیادی خودداری کردند، راه‌حل بعدی استفاده از ظرفیت قانونی مندرج در ماده ۱۴ قانون صدور چک است. بر اساس این ماده، صادرکننده می‌تواند با ارائه درخواست کتبی به بانک، «دستور به عدم پرداخت وجه چک» را اعلام کند. این اقدام به بانک اجازه می‌دهد، چک‌های مورد دستور را از جریان کارسازی خارج کرده و شرایط لازم برای دریافت دسته‌چک جدید را فراهم نماید. اهمیت این راه‌کار، در سرعت بالای آن است؛ به‌گونه‌ای که در صورت صدور دستور عدم پرداخت، بانک مکلف است به سرعت اقدام کرده و امکان دریافت دسته‌چک جدید را مهیا سازد. این امر از ایجاد وقفه در معاملات آینده شرکت به دلیل اتمام برگه‌های دسته‌چک جلوگیری می‌کند.

نکته مهمی که باید مدنظر قرار گیرد، امکان انصراف از دستور عدم پرداخت پس از دریافت دسته‌چک جدید است. به این ترتیب، صادرکننده می‌تواند پیش از مراجعه دارندگان چک به بانک و پیش از صدور گواهی عدم پرداخت برای چک‌های یاد شده، از دستور صادره انصراف داده و اعتبار چک‌هایی که معلق شده بودند را بازگرداند. این اقدام، از یک سو موجب رفع مانع حقوقی پیش روی صادرکننده در دریافت دسته‌چک جدید شده و از سوی دیگر، از صدور گواهی عدم پرداخت و امکان طرح شکایت توسط دارندگان چک جلوگیری می‌نماید. چنین رویکردی به صادرکننده این امکان را می‌دهد، که بدون نیاز به طی کردن تشریفات مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون صدور چک، دسته‌چک جدید خود را دریافت نموده و بلافاصله پس از آن، با انصراف از دستور عدم پرداخت خود؛ اعتبار چک‌های از گردش خارج شده را بازگرداند. در این صورت، اختلاف ایجاد شده با کمترین هزینه و در سریع‌ترین زمان، به نحوی مدیریت می‌شود که هیچ یک از طرفین، متضرر نخواهند شد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که صادرکننده‌ای که صرفاً برای تأیید چک‌ها از این ابزار استفاده می‌کند، خارج از موارد احصا شده در صدر ماده‌ی ۱۴ قانون صدور چک عمل کرده است. در تحلیل حقوقی این راه‌کار، باید توجه داشت که اولاً صدور دستور عدم پرداخت وجه برای چک‌هایی که فرایند ثبت آن‌ها در سامانه صیاد تکمیل نشده است، اصولاً تبعات کیفی در پی ندارد. مطابق تبصره ۱ ماده ۲۲ قانون صدور چک، فرایند ثبت چک در سامانه صیاد شرط لازم برای شمول قوانین تجاری بر چک است. چک‌هایی که فاقد این شرط هستند، در حکم اسناد مدنی بوده و اساساً قابلیت وصول از طریق بانک را ندارند. در نتیجه، صدور دستور عدم پرداخت برای چنین چک‌هایی، به دلیل فقدان قابلیت وصول، خارج از شمول بزه مندرج در ماده‌ی ۱۴ قانون صدور چک خواهد بود. در تأیید این موضوع، رأی شعبه ۷۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به شماره دادنامه ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۹۹۰۰۴۹۰، نیز بر این موضوع اشاره دارد. این رأی بیان می‌دارد که تحقق بزه موضوع ماده ۱۴ قانون صدور چک منوط به آن است که چک ذاتاً قابلیت پرداخت داشته باشد. بنابراین، چک‌هایی که به دلیل نقص در فرایند ثبت قابلیت پرداخت ندارند، مشمول این ماده و بزه مربوطه نمی‌شوند.

ثانیاً علاوه بر مورد فوق‌الاشاره، انصراف از دستور عدم پرداخت پیش از مراجعه دارنده به بانک برای وصول مبلغ چک، موجب بازگشت اعتبار چک‌ها و جلوگیری از صدور گواهی عدم پرداخت می‌شود. در چنین شرایطی، امکان طرح دعوا علیه صادرکننده دستور عدم پرداخت عملاً از بین می‌رود. چرا که، مطابق ماده ۱۴ قانون صدور چک، دارنده چک تنها در صورتی می‌تواند علیه صادرکننده دستور عدم پرداخت اقامه دعوا کند که گواهی عدم پرداخت صادر شده باشد. در صورت انصراف به موقع، گواهی عدم پرداخت صادر نمی‌شود و در نتیجه مبنای اصلی طرح دعوا نیز وجود نخواهد داشت.

ثالثاً، با مذاقه در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۴ قانون صدور چک، باید توجه داشت که ضمانت اجرای پیش‌بینی شده توسط مقنن صرفاً ناظر بر پرداخت وجه چک به دارندگان پس از گذشت مهلت مذکور در این تبصره است. به عبارتی دیگر، دستوردهنده تنها می‌تواند یک هفته مهلت پرداخت وجه چک را با ادعای بر وقوع یکی از موارد مطروحه در صدر ماده‌ی اخیر به تعویق بیندازد و اگر ادعای خود را تا مهلت مذکور اثبات نکند، بانک چک‌های مورد نزاع را کارسازی می‌کند که در این حالت، فرایند کارسازی چک‌های مذکور یا به وصول آن‌ها می‌انجامد، و یا به

صدور گواهی عدم پرداخت ختم می‌گردد. در راه‌کار ارائه شده، به علت تاکید بر فوریت حل این مسئله، قبل از اتمام مهلت مندرج در ماده‌ی اخیر از دستور صادره رجوع می‌شود؛ در این حالت، ضمانت اجرای مورد بحث در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی اخیر نیز عملاً فرصت اجرا پیدا نمی‌کند. رابعاً باید توجه داشت که میان «عدم اثبات ادعا توسط دستوردهنده» و «اثبات خلاف ادعای دستوردهنده» تفاوت شایانی وجود دارد. قانون‌گذار تنها در صورتی که خلاف ادعای دستوردهنده ثابت شود، آثار کیفی را مورد بحث در ماده‌ی اخیر را پیش‌بینی کرده است؛ بنابراین بار اثبات خلاف ادعایی که علت صدور دستور بوده، بر عهده دارندگان چک است، که آن‌ها نیز باید آن را با دریافت گواهی عدم پرداخت و انضمام آن به دادخواست اثبات کنند. در حالی که، اگر صادرکننده پیش از صدور گواهی عدم پرداخت از دستور خود منصرف شود، امکان اثبات خلاف ادعا توسط دارندگان چک نیز منتفی خواهد بود.

با توجه به تمامی موارد فوق، راه‌کار پیشنهادی علاوه بر برخورداری از مزایای سرعت و کارآمدی، می‌تواند به طور مؤثر به حل و فصل مشکل شرکت کمک نماید. این روش نه تنها از اختلافات قضایی غیرضروری جلوگیری می‌کند، بلکه منافع قانونی دارندگان چک را نیز حفظ می‌نماید و تعادل مطلوبی میان حقوق طرفین ایجاد می‌کند.

البته باید متذکر شد که این روش، اگر چه عملی بوده و به نظر در اغلب شعب بانک‌های کشور قابل اجرا است، اما نمی‌تواند به طور کامل با قانون منطبق باشد، چرا که صادرکننده‌ی دستور عدم پرداخت، در وهله اول ادعایی غیر واقعی را برای علت صدور دستور خود مطرح می‌کند، که می‌تواند شکایت بانک از وی را به علت ارائه اطلاعات غلط یا ارائه ادعای خلاف واقع در بر داشته باشد. البته چنین ادعایی از سوی بانک بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد و احتمال ناچیزی دارد که بتوان در این مورد، ضمانت اجراهای مورد بحث در ماده‌ی ۶ قانون صدور چک را بار کرد، چرا که اعتبار صادرکننده‌ی چک و یا به طور عامیانه، خوش‌حسابی ایشان در این مسئله مفروض بوده و همچنین تلاشی از سوی وی برای دریافت دسته‌چکی که با اوضاع ایشان «غیرمتناسب» باشد نیز صورت نگرفته است.

۱. در راستای بررسی عملی بودن راه‌حل فوق، تحقیقات میدانی از شعب بانک‌های تجارت، ملی، آینده و کشاورزی صورت گرفت.

۳-۳. مراجعه‌ی صادرکننده به بانک و درخواست تأیید چک‌های مورد اختلاف

یکی از راه‌کارهای قابل اجرا برای حل مشکل ناشی از امتناع برخی از دارندگان چک از تأیید دریافت آن در سامانه صیادی، تکیه بر رابطه‌ی میان صادرکننده و شعبه بانکی است که حساب جاری وی را مدیریت می‌کند. این رویکرد مبتنی بر همکاری و تعامل مستقیم با بانک و استفاده از ظرفیت‌های قراردادی و مقررات داخلی است که می‌تواند بدون نیاز به طرح دعوی قضایی و در زمانی کوتاه به نتیجه مطلوب برسد.

در این روش، صادرکننده می‌تواند ابتدا با ارائه درخواست رسمی به بانک، مسئله امتناع دارندگان از تأیید دریافت چک در سامانه را مطرح کرده و مستندات لازم از جمله دلایل امتناع آن‌ها یا وضعیت چک‌های مورد نظر را ارائه نماید. در این درخواست، تأکید بر ضرورت صدور دسته چک جدید برای تداوم فعالیت‌های مالی و تجاری صادرکننده و همچنین تضمین حقوق دارندگان چک‌های پیشین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بانک، باتوجه به نقش خود به عنوان واسطه‌ای در مدیریت جریان مالی، می‌تواند بر اساس دستورالعمل‌های داخلی یا رویه‌های جاری، همکاری لازم را در این خصوص انجام دهد و از جانب دارنده، چک را در سامانه‌ی صیاد تأیید نماید.

یکی از ابزارهای قانونی، که صادرکننده می‌تواند در این فرایند به آن استناد کند، بهره‌گیری از آرای قضایی صادره در خصوص پرونده‌های مشابه در موضوعات مربوط به امتناع دارندگان از تأیید چک یا بخشنامه‌های مرتبط است. برخی آرای صادره از مراجع قضایی که پیش‌تر یکی از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت، به طور صریح دارندگان چک را ملزم به تأیید دریافت در سامانه کرده‌اند، به‌ویژه در مواردی که این امتناع بدون دلیل موجه بوده و موجب اختلال در جریان قانونی فعالیت‌های صادرکننده شده است. این آرا که عموماً بر مبنای حفظ اصل سرعت و امنیت در معاملات تجاری و جلوگیری از سوءاستفاده از حق تنظیم شده‌اند، می‌توانند به عنوان سندی قوی در تعامل با بانک مورد استفاده قرار گیرند. علاوه بر این، صادرکننده می‌تواند با وحدت ملاک گرفتن از بخشنامه‌های بانک مرکزی که به موضوعات مشابه در رابطه با اشخاص حقوقی پرداخته‌اند، ادله خود را تقویت کند. به عنوان مثال، با تأکید صادرکننده بر بخشنامه شماره ۱۱۷۵۳۳ بانک مرکزی که در تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۱ ابلاغ شده بود، یا بخشنامه منتشره در تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ توسط این مرجع که به بانک‌ها اعلام کرده بود تا در موارد خاص بدون در نظر گرفتن الزامی بودن تکمیل فرایند تأیید

چک توسط گیرندگان، برای شخص حقوقی دسته چک جدید صادر کنند، صادرکننده می‌تواند این موضوع را به‌عنوان مستندی دال بر تفسیر مشابه در وضعیت خود ارائه دهد، همان‌طور که پیش‌تر نیز چنین وحدت ملاکی در آرای صادره از مراجع قضایی نیز مورد استفاده قرار گرفته بود. در کنار این موضوعات، صادرکننده می‌تواند با ارائه تضامین مالی معتبر یا تعهدنامه‌ای الحاقی، بانک را مطمئن کند که هرگونه ضرر احتمالی ناشی از وضعیت چک‌های ثبت‌نشده یا تأییدنشده توسط گیرندگان، جبران خواهد شد. تضامین ارائه‌شده می‌تواند شامل وثایق مالی، ضمانت‌نامه‌های بانکی یا تعهدنامه‌های رسمی باشد، که بانک را نسبت به حفظ حقوق گیرندگان چک‌های قبلی اطمینان می‌بخشد. این امر، علاوه بر رفع نگرانی‌های بانک، زمینه را برای همکاری بیشتر در صدور دسته چک جدید فراهم می‌کند.

از منظر رابطه‌ی صادرکننده با بانک، حسن نیت و پیشینه مالی مثبت وی به‌عنوان مشتری می‌تواند نقش کلیدی در متقاعدسازی بانک ایفا کند. اگر صادرکننده توانسته باشد در تعاملات پیشین خود با بانک، انضباط مالی و تعهد به قوانین را نشان دهد، این موضوع بانک را ترغیب می‌کند که با اتکا به سوابق مثبت، همکاری لازم را برای صدور دسته چک جدید به عمل آورد. نکته حائز اهمیت در این راه‌کار آن است، که توافق با بانک به‌گونه‌ای انجام شود که حقوق دارندگان چک‌های ثبت‌نشده و تأییدنشده مورد تضییع قرار نگیرد. به‌عبارت‌دیگر، با اینکه بانک در این راه‌کار اقدام به صدور دسته چک جدید می‌کند، وضعیت چک‌های قبلی همچنان به قوت خود باقی است و حقوق قانونی دارندگان آن‌ها محفوظ خواهد بود. در نهایت، این روش مبتنی بر مصالحه و تعامل، علاوه بر کاهش هزینه‌های مالی و افزایش سرعت، از ایجاد پیچیدگی‌های ناشی از فرایندهای قضایی جلوگیری می‌کند.

۴. نتیجه و پیشنهاد

از آنچه در این مقاله آمد، دستاوردهای زیر حاصل شد:

۱. لزوم ثبت چک توسط صادرکننده و متعاقباً لزوم تأیید چک توسط دارنده در سامانه سیاد برای چک تلقی‌شدن سند و بار شدن احکام و آثار سند تجاری بر آن سند، در کنار ایجاد مزایای فنی و حقوقی قابل توجه برای صادرکننده، دارنده، بانک‌ها و محاکم، سرمنشا پیدایش برخی سؤالات و چالش‌های حقوقی شده است که لازم است بانک

مرکزی یا مجلس شورای اسلامی حسب مورد در قالب بخشنامه یا اصلاح قانون صدور چک، در خصوص آنها صراحتاً تعیین تکلیف کنند چرا که تشتت موجود در آرای قضایی در خصوص این موارد، تا حد زیادی هدف مقنن از یکنواخت سازی رویه های حاکم بر چک صیادی را تحت الشعاع قرار داده است.

۲. در کنار فرض شایع عدم ثبت چک توسط صادرکننده، فرض دیگری مطرح شده، که به موجب آن دارنده بنا به دلایلی، از تأیید چک در سامانه صیاد خودداری می کند و از این طریق، صادرکننده در اخذ دسته چک جدید دچار مشکل می شود. خصوصاً برای اشخاص حقیقی که به واسطه شغلشان نیازمند صدور چک های متعدد و دریافت دسته چک جدید هستند. این مشکل نیز زاییده آن است که مقررات تسهیل کننده بانک مرکزی فعلاً در خصوص اشخاص حقوقی نظیر شرکت های تجاری است و ناظر به اشخاص حقیقی یا بنگاه هایی فاقد شخصیت حقوقی، نظیر کارگاه ها نیست.

۳. در خصوص ماهیت ترک فعل دارنده (عدم تأیید چک صیادی در سامانه)، فروض احتمالی نظیر قاعده اقدام و عدم رضایت، با ایراداتی روبرو بود، لذا می توان این ترک فعل را نوعی سوءاستفاده از حق محسوب کرد. فایده تشخیص سوءاستفاده از حق، به عنوان ماهیت ترک فعل دارنده و ترجیح این مبنا بر دو مبنای دیگر آن است که در دو مبنای نخست، صرف اقدام دارنده علیه خود و عدم رضایت دارنده، فی نفسه معطی حق اقامه دعوی به صادرکننده نیست اما سوءاستفاده از حق چون صراحتاً منع شده و موجب اضرار صادرکننده است، لذا صادرکننده از ذی نفع اقامه دعوی می کند و لذا شرط ذینفعی مقرر در ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی را محقق می سازد.

۴. با عنایت به اینکه برخی محاکم ما هنوز در مقابل دعوای دارنده علیه صادرکننده مبنی بر الزام به ثبت چک در سامانه صیاد مقاومت می کنند، احتمال پذیرش دعوای صادرکننده علیه دارنده دال بر الزام به تأیید چک در سامانه مزبور بسیار کمتر است بخصوص اینکه مهم ترین چالش صادرکننده در این دعوی، اثبات توافقی بودن دعوی و ذینفعی وی در اقامه چنین دعوایی است. با این حال همانگونه که در مقاله اشارت رفت، پذیرش چنین دعوایی با مبانی حقوقی ما کاملاً سازگار است؛ همچنانکه حسب مورد برخی مراجع بدوی و تجدیدنظر به این دعوی رسیدگی و حکم ماهوی صادر کرده اند.

۵. به‌رغم امکان اقدام قضایی از سوی صادرکننده، با این حال این راه‌کار مطلوب نیست. زیرا صرف‌نظر از طولانی بودن روند رسیدگی به دعاوی حقوقی در ایران و نیز وجود ریسک ناشی از تشتت آرا در این حوزه و احتمال پذیرش یا عدم پذیرش دعوی از سوی شعبه رسیدگی کننده به پرونده، صادرکننده به سبب نیاز تجاری و شغلی به تحصیل دسته چک جدید، باید به دنبال راه‌کارهای مطلوب‌تر باشد. در متن مقاله دو راه‌کار استفاده از چک موردی و مکانیزم دستور عدم پرداخت و تفسیر موسع از بخشنامه شماره‌ی ۱۱۷۵۳۳ بانک مرکزی که در تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۱ ابلاغ شده است، یا بخشنامه منتشره در تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۰، مطرح و نقد شد و این نتیجه حاصل شد که در شرایط فعلی، امکان بهره‌گیری تفسیری از بخشنامه‌های مارالذکر مناسب‌ترین راه حل بنظر می‌رسد هرچند وجود پیشینه مالی و انضباط حسابی مناسب مشتری نزد بانک در امکان بهره‌گیری بانک با تفسیر موسع، مؤثر است؛ به‌ویژه اینکه تفسیر مزبور توسط برخی محاکم نیز مطمح نظر قرار گرفته‌اند. با عنایت به نتایج حاصله، راه‌کارهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

- اصلاح قانون صدور چک و پیش‌بینی قابلیت استماع دعاوی صادرکننده علیه دارنده دال بر الزام دارنده به تأیید چک در سامانه صیاد در فرض احراز ذینفعی خواهان؛
- وضع بخشنامه جدید از سوی بانک مرکزی و تصریح به امکان تسری راه‌کار مقرر برای اشخاص حقوقی در خصوص اشخاص حقیقی؛
- داشتن حسن پیشینه مالی و انضباط حساب از سوی مشتری؛
- پذیرش دعاوی الزام به تأیید چک از سوی رویه قضایی ایران به استناد اصل منع سوءاستفاده از حق در شرایط فعلی و تا قبل از اصلاح مقررات موجود.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های استفاده شده یا تولید شده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

اسکینی، ربیعا. (۱۴۰۲). حقوق تجارت ۳: برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک. تهران: سمت.

افتخار جمهوری، گودرز؛ مصطفی السان. (۱۳۹۸). آیین دادرسی مدنی (جلد سوم)، تهران: میزان، جلد دوم. السان، مصطفی، مظلومی، سجاد و فتحی، محمدرضا. (۱۴۰۱). سوء استفاده از حق در قراردادهای بانکی. مجله علمی «حقوق خصوصی»، ۱۹(۱)، ۱-۲۴. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/jolt/۱۰۲۲۰۵۹. ۲۰۲۲, ۳۴۱۰۳۴۱۰۷۰۸۷. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۰/۰۵/۰۲). شرایط تخصیص دسته چک صیادی جدید به اشخاص حقوقی تسهیل شد. تاریخ مشاهده ۱۴۰۳/۰۷/۱۹، از <https://www.cbi.ir/showitem.aspx>.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۱/۰۱/۲۸). اقدامات بانک مرکزی برای تکمیل اجرای قانون جدید چک. تاریخ مشاهده ۱۴۰۳/۰۷/۱۹، از <https://www.cbi.ir/showitem.aspx>.

توکلی، محمد مهدی (۱۴۰۲). منظومه چک. تهران: مکتوب آخر. شمس، عبدالله. (۱۳۹۴). آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته (جلد اول)، جلد اول. تهران: آداک. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۰). تجاوز از حق. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۴(۳۳-۳۴). کاتوزیان، ناصر. (۱۳۵۸). سوء استفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲۱(۰).

کاویانی، بهزاد. (۱۴۰۱). حقوق اسناد تجارتي: حقوق تجارت (۳). تهران: میزان. صقري، محمد. (۱۴۰۱). حقوق بازرگانی: اسناد. تهران: مجد. عرفانی، محمود. (۱۳۹۷). حقوق تجارت: اسناد تجارتي. تهران: جنگل. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶ هجری قمری). قواعد فقه یک. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. معاونت منابع انسانی دادگستری کل استان تهران. (۱۴۰۳). چک در قانون و رویه قضایی (با اصلاحات ۱۴۰۰/۰۱/۲۹). تهران: دادگستری کل استان تهران.

Elsan, M., Mazlumi, S., & Fathi, M. R. (2022). Abuse of right in banking contracts. *Journal of Private Law*, 19(1), 1-24. <https://doi.org/10.22059/jolt.2022.341034.1007087> [In Persian]

Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (2021, April 22). Conditions for allocating new "Sayyadi" checkbooks to legal entities. Reviewed October 11, 2024, from <https://www.cbi.ir/showitem/22124.aspx> [In Persian]

Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (2022, April 17). Central Bank's measures to complete implementation of the new check law. Reviewed October 11, 2024, from <https://www.cbi.ir/showitem/23297.aspx> [In Persian]

- Eftekhar Jahromi, G., & Elsan, M. (2019). Civil procedure (Vol. 3). Mizan. [In Persian]
- Erfani, M. (2018). Commercial law: Negotiable Instruments. Jangal. [In Persian]
- Eskini, R. (2023). Commercial law 3: Bill of exchange, promissory note, warehouse receipt, bearer instruments, and check. SAMT. [In Persian]
- Human Resources Department, Judiciary of Tehran Province. (2024). Check in law and judicial practice (revised January 18, 2022). Judiciary of Tehran Province. [In Persian]
- Kavyani, B. (2022). Commercial law (Vol. 3). Mizan. [In Persian]
- Katouzian, N. (1979). Abuse of right or fault in the implementation of right. Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, 21. [In Persian]
- Mohaqiq Damad, S. M. (1985). The Principles of Islamic Jurisprudence (Vol. 1). Center for Islamic Sciences. [In Persian]
- Saghari, M. (2022). Commercial law: Negotiable Instruments. Majd. [In Persian]
- Shams, A. (2015). An Advanced Course on civil procedure (Vol. 1). Adak. [In Persian]
- Shahidi, M. (2001). Transgression of right. Quarterly Journal of Legal Research, 4(33–34). [In Persian]
- Tavakoli, M. M. (2023). The check system. Maktub Akhar. [In Persian]

